



Journal of Air Defense Management

Volume 3, Issue 9

Spring 2024

P.P. 87-112



Research Paper

Designing a Model for the Development of Strategic Thinking Competencies of Defense Industry Managers

Mehdi Namdari Varposhti¹, Saeed Safarian Hamedani², Kiumars Khatirpasha³

1. PhD Student of Educational Management, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. E-mail: Me.namdari@gmail.com

2. Assistant Prof. of Educational Management, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. E-mail: Safariansaeid70@gmail.com

3. Assistant Prof. of Educational Management, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. E-mail: Kiu.pasha@gmail.com

Article Information

Abstract

Received:
2023/12/04

Accepted:
2024/03/10

Keywords:

Competencies of Managers, Competencies of Strategic Thinking, Development of Managers.

Background & Purpose: Strategic thinking leads managers to quickly learn from the environment and apply creativity to create new values. Based on this, in this research, the design of the development model of strategic thinking skills of defense industry managers is discussed.

Methodology: In this research, an exploratory sequential mixed approach was used. In the qualitative phase, using thematic analysis method, strategic thinking competencies of defense industry managers were assessed through semi-structured interviews with 15 experts. In the quantitative phase, the classic Delphi method was used to validate the calculated factors, and a questionnaire based on the calculated factors in the qualitative phase was designed and distributed among 12 university experts to determine their consensus about the calculated factors. be obtained Quantitative stage data were also analyzed using statistical methods such as Kendall's correlation coefficient and measures of tendency towards the center and away from the center.

Findings: Based on qualitative data analysis, 65 concepts, 13 subcategories and 4 main categories were identified. The findings from two qualitative and quantitative stages showed that experts on the model of development of strategic thinking competencies of defense industry managers including professional knowledge and information (current knowledge of management and organization, data-driven decision making and trend analysis knowledge), skill training and development (behavioral skills, communication and social skills, perceptual skills, strategic skills and cognitive skills), attitude (organizational mental images, environmental mental images and individual mental images) and insight (objective/obvious assumptions and subjective/invisible assumptions) have consensus.

Conclusion: Any model for developing and improving the competencies required by managers requires appropriate dimensions, components and indicators that are introduced in the final model of this research. The application of this model and its factors will lead to the development of strategic thinking of defense industry managers.

Citation: Namdari Varposhti, Mehdi; Saffarian Hamedani, Saeid and KhatirPasha, Kiumars.(2024). Designing a Model for the Development of Strategic Thinking Competencies of Defense Industry Managers. *Journal of Air Defense Management*, 3(9), 87-112.



فصلنامه علمی مدیریت دفاع هوایی

دوره ۳، شماره ۹
بهار ۱۴۰۳
صفحه ۸۷-۱۱۲



مقاله پژوهشی

طراحی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی

مهدی نامداری ورپشتی^۱، سعید صفاریان همدانی^۲، کیومرث خطیر پاشا^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Me.namdari@gmail.com
۲. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Safariansaeid70@gmail.com
۳. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Kiu.pasha@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و هدف: تفکر راهبردی مدیران را به سوی یادگیری سریع از محیط و به کارگیری خلاقیت برای خلق ارزش‌های جدید هدایت می‌کند. بر این اساس، در این پژوهش به طراحی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی پرداخته می‌شود.

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۳

روش‌شناسی: در این پژوهش از رویکرد آمیخته متوالی اکتشافی استفاده شد. در مرحله کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون، شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان احصاء شد. در مرحله کمی، برای اعتبارسنجی عوامل احصاء شده، از روش دلفی کلاسیک استفاده شد و پرسشنامه‌ای بر اساس عوامل احصاء شده در مرحله کیفی، طراحی و در بین ۱۲ نفر خبره دانشگاهی توزیع شد تا میزان اجماع آن‌ها در مورد عوامل احصاء شده به دست آید. داده‌های مرحله کمی نیز با استفاده از روش‌های آماری مانند ضربیب هماهنگی کنال و اندازه‌های گرایش به مرکز و دور از مرکز مورد تحلیل قرار گرفتند.

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۲/۲۰

کلیدواژه‌ها:

یافته‌ها: بر اساس تحلیل داده‌های کیفی تعداد ۶۵ مفهوم، ۱۳ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی شناسایی شد. یافته‌های حاصل از دو مرحله کیفی و کمی نشان داد که خبرگان بر روی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی شامل دانش و معلومات حرفه‌ای (دانش روز مدیریت و سازمان، تصمیم‌گیری داده محور و دانش تحلیل روندها)، مهارت‌آموزی و پرورش (مهارت‌های رفتاری، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، مهارت‌های ادراکی، مهارت‌های راهبردی و مهارت‌های شناختی)، نگرش (انگاره‌های ذهنی سازمانی، انگاره‌های ذهنی محیطی و انگاره‌های ذهنی فردی) و بینش (پیش‌فرض‌های عینی/ مشهود و پیش‌فرض‌های ذهنی/ نامشهود) دارای اجماع هستند.

شایستگی‌های مدیران،
شایستگی تفکر
راهبردی،
توسعه مدیران.

نتیجه‌گیری: هرگونه مدل برای توسعه و بهبود شایستگی‌های مورد نیاز مدیران نیازمند ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مناسب است که در مدل نهایی این پژوهش معرفی شده‌اند. کاربست این مدل و عوامل آن به توسعه تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی منجر خواهد شد.

نویسنده مسئول:
سعید صفاریان همدانی
ایمیل:
Safariansaeid70@gmail.com

استناد: نامداری ورپشتی، مهدی؛ صفاریان همدانی، سعید و خطیر پاشا، کیومرث.(۱۴۰۳). طراحی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی. فصلنامه مدیریت دفاع هوایی، ۳(۹)، ۸۷-۱۱۲.

مقدمه

امروزه سازمان‌ها در تمام سطوح با محیطی آشوبناک و متغیری مواجه هستند و کارکنان، رهبران و مدیران سازمان‌ها باید با آن سازگار گردند. پیشرفت در تحول دیجیتال، هوش مصنوعی، ابر محاسبات، اینترنت اشیاء، کلان داده‌ها، کار هوشمند، قابلیت همکاری سیستم‌های اطلاعاتی و غیره در حال تغییر ماهیت پیوند بین فناوری و اشتغال در انواع مختلف سازمان‌ها هستند (سیمینی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). اینترنت، رسانه‌های اجتماعی، برنامه‌های تلفن همراه و دیگر فناوری‌های ارتباطات دیجیتال^۲ بخشی از زندگی روزمره مردم در سراسر جهان شده‌اند. بر اساس آمارهای اخیر منتشرشده در ژانویه ۲۰۲۰، تعداد کاربران فعال اینترنت در دنیا ۴.۵۴ میلیارد نفر است که ۵۹ درصد از جمعیت جهانی را شامل می‌شود. از این‌رو، کسب‌وکارها برای رقابت در عرصه تجارت^۳ مجبور به بازاریابی و حضور در فضای دیجیتال هستند (نورویل^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). شکل‌گیری عصر دیجیتال سبب تغییرات بسیار زیادی شده است، تا آنجا که برخی پژوهش‌گران معتقدند، ۶۵ درصد کودکان در مشاغلی مشغول به کار خواهند شد که امروزه وجود ندارد و این نشان‌دهنده اهمیت مدیریت در آینده است. بروز بحران ناشی از ویروس کرونا شرایطی را برای سازمان‌ها ایجاد کرده است که نقش فناوری را به مراتب بیش از پیش آشکار کرده و این به معنی توسعه شبتابان دیجیتال و افزایش اهمیت به کسب و کارهای دیجیتال است (تورکز^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

تحولات عصر حاضر، اساساً ماهیت کار، مرزهای سازمانی و مسئولیت‌های مدیران و رهبران کسب‌وکار را تغییر داده است. وجود مدیران و رهبرانی که نیاز به تغییر دیجیتال، دامنه و جهت آن را برای کارکنان ترسیم کرده و نقشه راه روشنی برای کارکنان خود فراهم آورند، ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین یکی از الزامات اساسی در این راستا، تعیین و تعریف مجموعه‌ای از شایستگی‌های تفکر راهبردی برای مدیران است (کراس^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). در دوران تحول دیجیتال، نوآوری‌های بی‌شماری برای شرکت‌ها پدید آمده است. سازمان‌ها به سازگاری و تسریع در پذیرش فناوری‌های نوظهور نیاز دارند. کسانی که به تحول نیاز ندارند و به شیوه‌های قدیمی کسب و کار تکیه می‌کنند، حذف می‌شوند. برای آنکه سازمان‌ها در این عرصه به شدت در حال تغییر بتوانند با دوراندیشی فraigیر در دور رقابت باقی بمانند،

^۱. Cimini

^۲. Norveel

^۳. Turkes

^۴. Kraus

باید به سرعت استراتژی‌های خود را هماهنگ سازند و تغییراتی را که به احتمال زیاد تاثیر قابل توجهی بر نتایج عملکرد سازمان می‌گذارد پیذیرند. یعنی در صدر تازه‌ترین روندهای تحول دیجیتال قرار گیرند (فیلیپ^۱، ۲۰۲۱).

در عصر دیجیتال حاضر، به سبب ظهور فناوری‌های نوین، باورهای سنتی کسب و کار به نحوی اساسی دگرگون شده است. سازمان‌ها تنها یک راه پیش رو دارند و آن همگامی با تغییرات موجود است؛ در غیر این صورت از دور رقابت حذف خواهد شد و به طور کامل از صحنه وجود محو می‌شوند. فناوری‌های تحول آفرین، تحول دیجیتال کسب و کار را رقم زده‌اند و تحول دیجیتال به عنوان یک مفهوم وارد ادبیات کسب و کار شده است(هیل^۲، ۲۰۱۴). با این وجود در این عصر، بیش از آنچه به کارگیری فناوری اطلاعات به خودی خود عامل موفقیت سازمان‌ها باشد، نحوه مدیریت و رهبری در این تحول به مراتب حائز اهمیت است. مفهوم «تحول دیجیتال» به صورت عام و «مدیریت و رهبری در عصر تحول دیجیتال» به صورت خاص، مفاهیمی جدید در عرصه کسب و کار محسوب می‌شوند (مرجل^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). لذا مدیریت و رهبری سازمان‌ها در عرصه تغییر و تحولات عصر دیجیتال، از طریق دست‌یابی به موفقیت و اهداف سازمانی، مستلزم برخوداری از شایستگی‌های مدیریتی است و شایستگی تفکر راهبردی را می‌توان عاملی کلیدی برای موفقیت سازمان‌ها در این عرصه در نظر گرفت(ویتالا^۴، ۲۰۰۵).

جایگاه منحصر به فرد صنایع دفاعی کشور به عنوان یک سازمان دانش‌بنیان فعال در لبه دانش و عرصه تحولات دیجیتال، ضرورت توجه به توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی با نگاهی به آینده پیش رو را بیش از پیش توجیه‌پذیر می‌سازد. چرا که علی‌رغم ماهیت دانشی سازمان مذکور و اهمیت الزامات عصر تحول دیجیتال، پژوهش‌های کمتری به طراحی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران سازمان مذکور پرداخته‌اند. از سوی دیگر فقدان الگوی توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی جهت استفاده از آن در انتخاب، انتصاب، آموزش و بهسازی و ارزیابی عملکرد و جانشین‌پروری مدیران، به عنوان یک دغدغه و چالش اصلی این پژوهش بوده و انگیزه پژوهش گران در انتخاب موضوع بوده است.

مدیران صنایع دفاعی کشور با موج تغییر و تحولات در فناوری‌ها و کسب و کارها مواجهند و از دیگر سو باید به صورت مستمر و پیوسته و به منظور همراهی با این تغییرات و

¹. Philip

². Hill

³. Mergel

⁴. Viitalla

استفاده از ظرفیت‌های آن، قابلیت‌ها و توانمندی خود در عرصه‌های تفکری و مدیریتی را تقویت کنند و توسعه دهند. از آنجایی که رویکردهای توسعه و تقویت قابلیت‌های مدیریتی و رهبری از به هم پیوستگی و پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار است و از سوی دیگر مدیران با دغدغه‌های روزمره و دائمی نیز دست به گریبانند، در اختیار داشتن مدل‌هایی برای کمک به توسعه شایستگی‌های مدیریت بیش از پیش ضروری می‌نماید و این پژوهش به دنبال ارائه الگویی برای توسعه کلیدی ترین این شایستگی‌ها یعنی شایستگی تفکر راهبردی است. لذا هدف پژوهش حاضر طراحی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی است.

پیشینهٔ پژوهش

برای اولین بار دیوید مک کلند در سال ۱۹۷۳ مفهوم و معنای شایستگی را به کار برد. مک کلند متوجه شد که آزمون‌های هوش استاندارد شده پیش‌بینی کننده‌های خوبی برای موفقیت شغل نبودند و او به دنبال دلیل آن بود (راثال و همکاران، ۲۰۱۳). مک کلند در مقاله خود در مجله بیانیه روانشناسی آمریکایی^۱ نوشت که افراد را باید به جای آی کیو بر مبنای شایستگی استخدام کنند. بعد از مک کلند، مک بر، بنیان‌گذار شرکت خدمات خارجی ایالات متحده^۲ مشاوری را برای توسعه روش‌های جدید که بتواند عملکرد انسانی را پیش‌بینی کند، درخواست کرد. هدف او حذف انحرافات بالقوه هوش سنتی و آزمودن استعداد (شایستگی) بود. این امر زمینه شروع استاندارد شایستگی شد. مک بر به همراه مک کلند در انجمن مدیریت آمریکا یک برنامه شایستگی بزرگ- مقیاس بنیان کرد (کلود، ۲۰۱۰).

البته کرسنید^۳ معتقد است که رویکرد شایستگی، رویکرد جدیدی در مدیریت منابع انسانی نیست. رومی‌های قدیمی در تلاش برای دستیابی به صفات جزئی و تفصیلی یک «سریاز خوب رومی» از آن استفاده می‌کردند. ادبیات رهبری مملو از پژوهش‌هایی است که تلاش می‌کردند تا ویژگی‌های یک «رهبر خوب» را تعریف کنند. روانشناسان صاحب‌نظر در امور پرسنلی نیز در زمینه شناسایی روابط موجود میان خصیصه‌های افراد، رفتار و خروجی‌های کار مدت‌های مدیدی است که به فعالیت و پژوهش پرداخته‌اند. فرنهم^۴ (۱۹۹۰) معتقد است هر چند که واژه شایستگی جدید و مدروز است، اما مفهوم آن قدیمی

¹. The American Psychologist asserting

². US Foreign Service

³. Kierstead

⁴. Furnham

است. مدت‌های مديدة است که مسائلی همچون شخصیت و تفاوت‌های فردی و رفتارهای سازمانی مورد علاقه روانشناسان بوده و روان‌سنجان نیز درباره ویژگی‌های شخصیتی، هوش و دیگر توانائی‌ها بحث‌های فراوانی را مطرح کرده‌اند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹).

بهزعم دائم (۲۰۱۰) عملکرد اثربخش یا متوسط- یک سطح قابل پذیرش کار است. با توجه به این موضوع، شایستگی‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: ضروری و تمایز. شایستگی آستانه ویژگی‌های ضروری هستند (دانش، مهارت‌ها و توانایی) که یک شخص برای اینکه به طور حداقلی در شغل اثربخش باشد به آن نیاز دارد. این شایستگی‌ها عملکرد بالا را از متوسط تمایز نمی‌کند. شایستگی فرق گذاشت: ویژگی‌ها یا عواملی مثل انگیزه، ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری هستند که عاملان بالا را از متوسط تمایز می‌کند (ربیرو، ۲۰۲۱).

برای شایستگی دو معنی بازده و داده وجود دارد که هر دو برای وصف شایستگی‌های فردی و سازمانی به کار می‌روند. بازده به خروجی آزمایش اشاره دارد که همان عملکرد شایسته است و داده یعنی صفات اصلی فردی که برای دستیابی به عملکرد شایسته مورد نظر است (کرمی و صالحی، ۱۳۸۸). بویاتزیس^۱ شایستگی را توانایی یا توانایی فرد تعریف می‌کند. این توانایی می‌تواند جنبه‌ای از انگیزه، ویژگی، جنبه شخصیت شخصی یا نقش اجتماعی یا مجموعه‌ای از دانش وی باشد که از آن استفاده می‌کند (ادریسا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

هورن بای و توماس^۳ (۲۰۱۴) شایستگی را مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های مدیران موثر می‌دانند (وودرف^۴، ۲۰۱۴). اسکولز و بالس^۵ (۲۰۲۰) شایستگی را به منزله ویژگی‌هایی تعریف می‌کنند که موجب عملکرد اثربخش یا برتر در یک شغل می‌شوند که از طریق یادگیری و تجربه توسعه یابد و مجموعه‌ای از توانایی‌ها، مهارت‌ها و سایر معیارها و ویژگی‌هایی است که موجب می‌شود شخص شرایط و موقعیت‌های پیچیده را به گونه‌ای اثربخش مدیریت کند (اسکولز و بالس، ۲۰۲۰). از تعاریف فوق نکته‌های زیر بر می‌آید:

۱. شایستگی از ویژگی‌های فرد است که عملکرد یا رفتار را در کار مشخص می‌کند.
۲. شایستگی ارتباط مثبت و مستقیمی با عملکرد اثربخش و متعالی دارد و موجب ارزیابی بین افراد موثر و متعالی با سایر افراد می‌شود.

۳. شایستگی دارای مفهوم عام است و همه ویژگی‌های فردی، نگرش‌ها، ارزش‌ها،

¹. Boyatzis

². Idresa and et al

³. Horan bay and Thomas

⁴. Woodruffe

⁵. Schulze and Bals

دانش، مهارت، توانایی و سایر موارد مشابه را شامل می‌شود(سیدجوادی، ۱۴۰۰).

تفکر راهبردی؛ ریشه‌های تفکر راهبردی از قرن بیستم مورد توجه بوده است. زمان شکوفایی تفکر راهبردی در دهه ۹۰ بود؛ زمانی که اغلب تکنیک‌های اساسی مدیریت راهبردی توسعه یافتند. ده ایده اصلی بزرگ شامل برنامه‌ریزی بلندمدت و تحلیل راهبردی و کیفیت و برنامه‌ریزی سناریو و مدل‌های تخصیص منابع، فرهنگ سازمانی، رهبری، اندازه‌گیری و هم‌ردیفی راهبردی سنگبنای شکل‌گیری تفکر راهبردی بوده‌اند. این ایده‌ها ابزارهایی قابل اطمینان بوده‌اند و با در نظر گرفتن تغییرات سریع و رقابت جهانی حاکم، تفکر راهبردی خلاق، مزیت رقابتی جدید مدیران و منبع نهایی ایجاد تمایز سازمان‌ها شده است (تقوا دهقانی، ۱۴۰۰).

در ادبیات مدیریت راهبردی نیز بر آنچه تفکر راهبردی خوانده می‌شود، توافق چندانی وجود ندارد. افراد با توجه به گرایش‌ها و نگرش‌های مختلفی که در مورد تفکر راهبردی دارند تعریف‌های متعددی از تفکر راهبردی ارائه کرده‌اند. به دلیل روشن نبودن معنی واژه تفکر راهبردی سردرگمی‌های فراوان و قابل ملاحظه‌ای در عرصه مدیریت راهبردی مشاهده شده است؛ بنابراین، ارائه تعریفی روشن و واضح از تفکر راهبردی ضرورتی انکارناپذیر است تا امکان استفاده مناسب از این پارادایم جدید در زمینه مدیریت راهبردی فراهم شود. برخی از نویسنده‌گان مفهوم تفکر راهبردی را برای مفاهیم دیگری چون برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت راهبردی به کار برده‌اند.(افشارفر، ۲۰۱۷). ویلسون (۱۹۹۴) عنوان می‌کند که تفکر راهبردی صرفاً «فکر کردن» درباره مسائل راهبردی است و بر این باور است که به خاطر تغییر در ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی و تکامل آن، امروزه بهتر است از آن به عنوان تفکر و یا مدیریت راهبردی نام برد. البته چنین برداشتی به ابهامات فراوانی برای توضیح و تشریح کاربردهای تفکر منجر می‌شود. پورتر (۱۹۸۷) بر فرآیند مدیریت راهبردی تمرکز دارد و آشکارا بیان می‌دارد که برنامه‌ریزی راهبردی خوب، به تفکر راهبردی کمک خواهد کرد یا تلویحاً پذیرفته‌اند که یک سامانه مدیریت راهبردی کامل و جامع، تفکر راهبردی را در سازمان آسان می‌سازد(نگریجا، ۲۰۲۲). استیسی (۱۹۹۲) تفکر راهبردی را استفاده از تشبيهات قیاسی و کیفی برای تعامل ایده‌های خلاقانه جدید و طراحی کارها بر اساس یادگیری جدید می‌داند که این تعریف جدا از برنامه‌ریزی است و به دنبال پیروی از قواعد از پیش تعیین شده است(زیکتسکی، ۲۰۱۷). هنری مینتزبرگ (۱۹۹۴) به عنوان یکی از پیشروان

¹ Ngereja

² Dziekonski

در زمینه مدیریت راهبردی بهوضوح تأکید می‌کند: تفکر راهبردی نباید صرفاً بهعنوان واژه جایگزین برای هر مفهومی که زیر چتر مدیریت راهبردی قرار می‌گیرد، تلقی می‌شود. وی در توضیح تفاوت بین برنامه‌ریزی و تفکر راهبردی عنوان می‌دارد که برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی نظام‌گرایی از راهبردهای از پیش مشخص شده است که از درون آن برنامه عملی بیرون می‌آید، درحالی که تفکر راهبردی، فرایندی ترکیبی از شم و خلاقیت است که خروجی که یک دید یکپارچه نسبت به سازمان است و هر یک از این اصطلاحات بر مرحله‌ای متفاوت در فرایند توسعه و طراحی راهبرد توجه دارند(اسلامیان، ۲۰۱۸). از دیدگاه غفاریان و کیانی، تفکر راهبردی هنر ساختن و بنا کردن راهبرد است که با تشخیص به موقع خصوصیات میدان رقابت و دیدن فرصت‌هایی است که رقبا نسبت به آن غافل هستند انجام می‌شود(غفاریان، ۱۳۸۹). لشکر بلوکی (۱۳۹۲) تفکر راهبردی را این گونه تعریف می‌نماید: مهارت یا فضیلت ذهنی معماری راهبردی یک سازمان است که دارای ده ویژگی نگرش خلاق، نگرش سیستمی، نگرش انتقادی، دوراندیشی، تفکر ترکیبی، جستجوی دائمی منابع بالقوه، جستجوی مزیت، کلان‌نگر، نتیجه‌گرا و خاصیتی غیرمتوازن است(لشکر بلوکی، ۲۰۱۲). شوکی (۱۳۹۵) تفکر راهبردی را به این صورت تعریف می‌نماید: تفکر راهبردی فرایند سنتز ذهنی است که رویکردهای منطقی و همگرا را با فرایندهای خلاق و واگرا به‌گونه‌ای کُل‌گرا و چشم‌انداز محور ترکیب و بینش یکپارچه‌ای از سازمان و محیط را در ذهن ایجاد نماید.

پیشینه تجربی

در این بخش بهمروز پژوهش‌های گذشته طبق جدول ۱ پرداخته شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگر	عنوان	روش	نتایج
۱	اقا محمدی و همکاران، ۱۴۰۲	الزامات تحقیق تفکر راهبردی فرماندهان و مدیران سطوح عالی	اصحابه-روش تحلیل مضمون	۵ مولفه شامل ساختاری (با ۸ شاخص)، منابع انسانی (با ۹ شاخص)، فرهنگ سازمانی (با ۱۷ شاخص)، رهبری و مدیریت (با ۸ شاخص) و عمومی (با ۱۶ شاخص) برای تحقق تفکر راهبردی مدیران مورد نیاز است
۲	خلیل نژاد و همکاران، ۱۴۰۲	توانمندیهای ذهنی در شکل‌گیری تفکر راهبردی سازمان	ترکیب مضمونی	مقاله پیشرو، این توانمندی‌های ذهنی را در دو سطح «مضمون» و «بی‌مضمون» مشخص می‌سازد. پژوهش حاضر با به کارگیری روش ترکیب مضمونی، ۸۴ متنب م منتخب را در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ مورد مطالعه قرار داده و بین ۱۱۰ کد پشتیبان استخراج شده از آنها، مضماین ۳۷ گانه (شامل ۵ مضمون و ۳۲ بی‌مضمون) توانمندی‌های ذهنی در شکل‌گیری تفکر راهبردی سازمان را کشف و در قالب نقشه مضمونی (الگوی تحقیق)، صورتیندی کرده است
۳	پاشایی هولاسو، ۱۴۰۱	طراحی الگوی شایستگی مدیران وزارت دفاع و پیشیگیری نیروهای مسلح	اصحابه و پرسشنامه-روش تحلیل مضمون	شاپیستگی‌های فردی (شخصیتی، اخلاقی، نگرشی، اجتماعی، دانشی و توانایی) بین فردی (ارتباطی و رفتاری) سازمانی (مهارتی، مدیریتی و عملیاتی) و ادراکی و شناختی (راهبردی و شناختی) به عنوان مدل

تدوین شد				
۴ بعد توسعه شایستگی‌های فردی، گروهی، سازمانی و راهبردی با ۹ مؤلفه و ۸۶ شاخص تدوین شد و مدل بر این اساس تهیه و پیشنهاد شد	مصطفی‌احبـه-پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی	تدوین الگوی توسعه شایستگی‌های رهبری مدیران صنایع دفاعی	هل اتایی و همکاران، ۱۴۰۰	۴
پنج بعد توسعه شایستگی‌های دانشی (عمومی تخصصی)، مهارت (فنی، انسانی و ادارکی)، نگرشی (شناسنخنی، عاطفی و رفتاری)، شخصیت (برونگار، سازگار، تحریب پذیر و وظیفه‌شناس) و توانایی (فکری و فیزیکی) شناسایی شد.	شناـسـایـیـاـیـ تحلیل مضمون	شناـسـایـیـاـیـ شایـسـتـگـیـهـایـ مدیران صنایع خلاق	رجـبـ بـلـوـکـاتـ وـ هـمـکـارـانـ،ـ ۱۳۹۹	۵
ارتباط نزدیکی بین تفکر راهبردی و توان رزمی وجود دارد از جمله اینکه تفکر سیستمی، تفکر مفهومی و آینده‌گری که از عناصر تفکر راهبردی هستند روی عناصر فردی و سازمانی توان رزمی اثر دارند و کم و زیاد شدن آنها توان رزمی را کم و زیاد می‌کند	مصطفی‌احبـه-پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی	نقش تفکر راهبردی در ارتقا توان رزمی سازمان‌های نظامی	توحیدی و همکاران، ۱۳۹۸	۶
در طراحی الگوی پیشنهادی نگاه سه سطحی محیطی، فردی و سازمانی با رویکرد سیستمی استخراج شد	مصطفی‌احبـه-پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی	الگوی توسعه تفکر راهبردی مدیران ارشد با نک انصار	شـوـقـیـ وـ هـمـکـارـانـ،ـ ۱۳۹۶	۷
در کنار شایستگی‌های عملیاتی، مدیران در بخش دولتی باید از مجموعه‌ای از شایستگی‌های استراتژیک برخوردار باشند.	تحلیل آماری کمی	شایستگی‌های رهبری	میستاریهـیـ ۲۰۲۱ـ،ـ	۸
عوامل موافقیت داریا بیشتر مربوط به شایستگی‌های مدیران و رهبران آن‌هاست. به‌گونه‌ای که داشتن اهداف بلند، استقلال سازمانی، آزادی از روابط‌های دیوانسالارانه، انعطاف‌پذیری و پاسخگویی از شایستگی‌های مدیریتی و رهبری موردنیاز مدیران و رهبران پیشنهاد شده است.	کیفی	مدل دارپا برای فناوری‌های تحول گرا مبتنی بر شایستگی‌های مدیران	بونویلیان ، ۲۰۱۹	۹
مدیران برای درک راهبردهای ساختاری در تصمیمات باید روش تفکر راهبردی را یاد بگیرند و روش‌های قبلی فاقد جایگاه و اثربخشی در دوران جدید است.	مصطفی‌احبـه-پارادایم تفسیری و اثبات‌گرایی	کلید اصلی تفکر راهبردی برای موافقیت آینده در سازمان	دوشکوف، ۲۰۱۸	۱۰
شایستگی‌هایی مانند جستجوی اطلاعات، تفکر تحلیلی، ارتباطات، آگاهی سازمانی، هوش بالا، توانایی‌های دیپلماتیک و مهارت‌های مدیریت در الگوی شایستگی مدیران و رهبران ضروری هستند.	روش تحلیل مضمون	طراحی شایستگی‌های ضروری وابستگان دفاعی اندونزی	انوار، ۲۰۱۶	۱۱

جمع‌بندی نتایج بررسی مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین نشان داد که پژوهش‌های محدودی در زمینه الگوی توسعه شایستگی تفکر راهبردی مدیران انجام شده است و عمدۀ این پژوهش‌ها بر ارائه تحلیل‌های ناقص از این موضوع اکتفا کرده‌اند. این در حالی است که شایستگی تفکر راهبردی مدیران ابعاد متنوع و گوناگونی دارد. مطابق با مرور ادبیات و بررسی پیشینه، پژوهشی در زمینه طراحی مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی یافت نشد. بر اساس مطالعه ادبیات موضوع و بررسی پیشینه پژوهش، پژوهشگران عوامل مختلفی را در توسعه تفکر راهبردی مدیران شناسایی کردند. این عوامل از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی و دسته‌بندی هستند. این عوامل و مصاديق آنها در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. عوامل موثر در توسعه تفکر راهبردی بر اساس مطالعات و ادبیات پژوهش

ردیف	عامل	زیر عامل	مصاديق	مصاديق	ردیف
۱	فردي	دانش	تفکر سیستمی	شناخت روش‌های حل مساله	

ردیف	عامل	زیر عامل	مصاديق	مصاديق
۲	فردی	دانش	خلاقیت و نوآوری	تحلیل روندها
۳	فردی	مهارت	ارتباطات رسمی و غیر رسمی	تعالی گرایی و تحول خواهی
۴	فردی	مهارت	یادگیری در عمل	شبکه‌سازی و استفاده از شبکه
۵	فردی	مهارت	کل نگری	پرسش‌گری و نقادی
۶	سازمانی	محیطی	همراه‌سازی ذینفعان	تجزیه و تحلیل فرایختی
۷	سازمانی	داخلی	بازخوردگیری	پیامدستجی رفتار و تصمیمات
۸	ذهنی	انتزاعی	جهان‌بینی فردی و ارزش‌های حاکم بر آن	داشتن بصیرت و قدرت در ک
۹	ذهنی	انتزاعی	دارا بودن شهود و الهام	ارتباط عمیق معنوی با طبیعت و خلقت
۱۰	ذهنی	ذاتی	یادگیرنده و پذیرنده	دارا بودن ویژگی‌های ذاتی راهبردی

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر زمان، مقطعی و از نظر روش اجرا از نوع میدانی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نظر رویکرد آن، پژوهشی آمیخته (اکتشافی) است. با توجه به اینکه پژوهش‌گران به دنبال درک عمیقی از شایستگی تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی بودند، از رویکرد کیفی از نوع تحلیل مضمون استفاده شد. چون پژوهش‌گران به دنبال احصا نظرات خبرگان صنایع دفاعی در راستای واکاوی پدیده مورد بررسی بودند؛ لذا از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند از نوع سهمیه‌ای استفاده گردید. بر این اساس، تعداد ۱۵ نفر از خبرگان و مدیران سطح راهبردی موسسه آموزش و تحقیقات صنایع دفاعی و اساتید دانشگاهی انتخاب شدند که از تجارب لازم برخوردار بودند. لازم به ذکر است در این مرحله، نمونه‌گیری تا آنجا ادامه یافت که شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران شناسایی شدند؛ بهنحوی که انتخاب افراد جدید، داده‌های بیشتری به پژوهش اضافه نکرد.

برای احصاء نقطه نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش از ابزار مصاحبه نیمه ساختاری‌رفته استفاده شد که به شیوه قیاسی اجرا شد. بدین صورت که پژوهشگران پرسش اصلی خود را پیرامون دیدگاه هریک از مشارکت‌کنندگان در زمینه شایستگی‌های تفکر راهبردی آن مطرح کردند و متناسب با پاسخ آن‌ها اقدام به مطرح کردن سوال‌های جزئی-تری کردند. در پژوهش حاضر جهت تحلیل داده‌ها، از روش هفت مرحله‌ای تحلیل مضمون کلایزی^۱ به شرح زیر استفاده شد (جیبی، ۱۴۰۱)؛ در مرحله اول، پژوهش‌گران تمام بیانات ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش را در پایان هر مصاحبه به‌طور مکرر گوش داده

^۱. Colaizzi

و توصیفات آن‌ها را پیرامون پدیده مورد مطالعه بر روی کاغذ پیاده و سعی کردند برای درک تجارب مشارکت‌کنندگان چند مرتبه آن‌ها را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد، لذا در پایان این مرحله جملات و واژگان مرتبط با پدیده مشخص شدند. در مرحله دوم، پژوهش‌گران از جملات و واژگان مرتبط با پدیده مورد مطالعه (شایستگی‌های تفکر راهبردی) که در مرحله اول مشخص شدند تعداد ۶۵ کد باز را استخراج کردند و در مرحله سوم، به هر کدام از مفاهیم و واژگان استخراج شده از مرحله قبل، مفهوم خاصی که بیانگر معنا و مفهوم اساسی تفکر مشارکت‌کنندگان بود، داده شد و جهت موثق نمودن آن‌ها به بیانات اصلی مشارکت‌کنندگان مراجعه می‌شد. در مرحله چهارم، پژوهش‌گران بعد از مطالعه و مرور دقیق بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش، مفاهیم مشترک را در دسته‌ها و طبقات خاص موضوعی قرار دادند و در مرحله پنجم، پژوهش‌گران سعی کردند تا با تشکیل طبقات کلی‌تر، نتایج را برای توصیف دقیق‌تر از پدیده موردمطالعه به هم پیوند دهند؛ لذا در پایان این مرحله تعداد ۱۳ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی به دست آمد. در مرحله ششم، عقاید استنتاج شده به توصیفی جامع و کامل از پدیده تحت مطالعه تبدیل شد و در مرحله هفتم، یافته‌های نهایی حاصل از تحلیل داده‌ها، به منظور اطمینان از اعتبار آن‌ها با مراجعه به مشارکت‌کنندگان و پرسیدن پیرامون یافته‌ها مورد تأیید قرار گرفتند.

در این پژوهش برای اعتباریابی یافته‌های داده‌های کیفی، از راهبردهای اعتباریابی کرسول (۲۰۰۹) استفاده شد: ۱) بررسی توسط اعضاء یا مشارکت‌کنندگان^۲ (بررسی توسط همتایان یا همکاران^۳) ممیزی بیرونی^۴ ۲) بازتاب پذیری^۵ بهم‌تنیدگی یا مثلث سازی^۶. در پژوهش حاضر، با توجه به اینکه پژوهش‌گران از دو منبع (اعضای هیئت‌علمی و مدیران) اقدام به جمع‌آوری یافته‌ها کردند، از راهبرد بهم‌تنیدگی منابع در پژوهش استفاده کردند. افزون بر این، با توجه به اینکه در پایان هر مصاحبه، پژوهش‌گران اقدام به ارائه برداشت‌های خود از صحبت‌های مصاحبه‌شونده‌ها می‌کردند تا از این طریق صحت و درستی یافته‌ها مورد تأیید آن‌ها قرار بگیرد، از راهبرد بررسی توسط مشارکت‌کنندگان نیز بهره بردن.

در گام بعد، پژوهش‌گران در راستای اعتبارسنجی عوامل استخراج شده در مرحله کیفی از تکنیک دلفی کلاسیک استفاده کردند. تکنیک دلفی به عنوان یکی از تکنیک‌های مهم در راستای اتفاق نظر پیرامون مسئله‌های کیفی است. در پژوهش‌هایی که جنبه اکتشافی دارند و

². Member Checking

³. Peer Checking

⁴. External Audit

⁵. Reflexivity

⁶. Triangulation

به نبال شناسایی عناصر اساسی یک پدیده هستند، از تکنیک لغتی استفاده می‌شود (حیبی، سرافرازی و ایزدیار، ۱۳۹۳). بر این اساس، ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کمی پژوهش شامل پرسشنامه‌ای بود که مبتنی بر عوامل احصاء شده در مرحله کیفی پژوهش و در طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالفم طراحی شده بود. نمونه آماری در مرحله کمی پژوهش، شامل ۱۲ نفر از خبرگان دانشگاهی بودند که در کنار دانش و تجربه لازم پیرامون پدیده مورد بررسی از تمایل لازم برای مشارکت در پژوهش نیز برخوردار بودند. از این‌رو، پژوهش گران با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند اقدام به انتخاب آن‌ها کردند. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شد و سوال‌های پرسشنامه در اختیار دو نفر متخصص حوزه مدیریت منابع انسانی قرار گرفت و آن‌ها به تأیید سوال‌ها پرداختند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی نیز از ضریب هماهنگی کندال^۱ و مقادیر میانه، انحراف معیار، دامنه چارکی در نرم‌افزار اس پی اس اس نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مرحله کیفی پژوهش نشان داد که از مجموع ۶۵ کد استخراج شده، ۱۱ کد به دانش و معلومات حرفه‌ای، ۲۷ کد به عوامل مهارت‌آموزی و پرورش، ۱۷ کد به نگرش و ۱۰ کد به بینش اختصاص داشت. در جدول (۳) نمونه‌ای از مفاهیم استخراج شده از گزاره‌های کلامی مصاحبه‌ها آمده است و در جدول (۴) نیز مقوله‌های اصلی، فرعی و کدهای استخراجی نشان داده شده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از متن مصاحبه‌ها و مفاهیم احصا شده

دسته مفهومی	متن مصاحبه
حل مسئله	متاسفانه برخی از مدیران، به هنگام وقوع مسئله و بحران نمی‌توانند از پس آن بربایند. بر این اساس توسعه این شایستگی ضرورت دارد.
تحلیل روندهای رو به آینده	تفاوت مدیران با تجربه و کم تجربه در قدرت پیش‌بینی روندهای آینده توسط آنان است که بر اساس تجارب رخ‌می‌دهد.
ایجاد شبکه	مدیران بایستی بتوانند بسته به نوع کار شبکه‌ای از روابط را بین همکاران ایجاد نمایند.
شناخت محیط سازمان	شناخت محیط و فضای سازمانی که عمدتاً تنش آسود و بر مخاطره و پر ابهام است هم بسیار مهم است.
آینده نگری	بیشتر مدیران در بخش دولتی و به ویژه بخش نظامی محافظه کارند اما آنچه در صنعت دفاعی مهم است، آینده نگری است. چون دنیا و علم به سرعت در حال پیشرفت است.

^۱. Kendall's Coefficient of Concordance

جدول ۴. کدها، مقوله‌های اصلی و فرعی شایستگی‌های تفکر راهبردی

مفهوم	مفهوم‌های فرعی	مفهوم‌های اصلی
دانش روز در حوزه فناوری	دانش روز	دانش و معلومات حرفاء
شناخت و مدیریت بر منابع	مدیریت و سازمان	
شناخت سناریوها و روندهای سازمان و مدیریت		
شناخت روش‌های حل مسئله		
دانش تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری	
تسلط بر تحلیل داده‌ها	داده محور	
دانش تکنیک‌های خلاقیت و نوآوری		
تفکر سیستمی و مهندسی سیستم‌ها		
تفکر تحلیلی و غیرخطی	دانش تحلیل	
تحلیل روندهای رو به آینده	روندها	
دانش تفکر استراتژیک		
مهارت یادگیری در عمل ^۱		
بازخوانی وقایع ^۲	مهارت‌های رفتاری	
یادگیری از تجربه و درس آموخته‌ها		
بسنده نکرده به راه حل‌های روتین (پارادایم شکنی)		
پرسش‌گری و نقادی		
شبکه محوری و ایجاد شبکه		
توسعه تعاملات درون و برون‌سازمانی	مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی	مهارت‌آموزی و پرورش
ارتباطات رسمی و غیررسمی		
همراه‌سازی ذی‌نفعان کلیدی		
انگیزه‌بخشی و نفوذ		
اعتمادسازی و کسب مقولیت		
به کارگیری نظامات بازخورد		
تجزیه و تحلیل فرابخشی	مهارت‌های ادراکی	
تعالی گرایی و تحول خواهی		
الهام‌بخش بودن		

¹. Action Learning

². Case Study

مفهوم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
توان تشخیص اولویت‌های راهبردی	مهارت‌های راهبردی	
ترسیم و ایجاد چشم‌انداز و برداشت مشترک		
ایجاد توافق جمعی حول جریان‌های آینده‌ساز		
مداخله راهبردی در زیست‌بوم سازمان		
شناخت و ترسیم اهداف مشترک		
کل‌نگری و حفظ یکپارچگی		
کلان‌نگری و تحلیل محوری		
درک محیط داخل و بیرون سازمان (هوشیاری محیطی)	مهارت‌های شناختی	
تشخیص روابط علت و معلولی پدیده‌ها		
تشخیص مسائل اصلی و فرعی		
پیامدهای رفتار و تصمیمات		
توجه به لایه‌های پنهان (ژرف‌نگری)		
درک شرایط و فرهنگ سازمانی	انگاره‌های ذهنی سازمانی	
فهم زمین‌بازی و زیست‌بوم سازمانی		
فهم عینی و دقیق صحنه عملیات کسب‌وکار سازمان		
فهم صحنه عمل و مداخله در سطح کلان		
شناخت و تمرکز بر نقاط اهرمی	انگاره‌های ذهنی محیطی	نگرش
به چالش کشیدن مفروضات موجود		
شناخت شرایط و روندهای محیطی		
نگاه فراسازمانی و فرابخشی		
آینده‌نگری و نگاه به آینده	انگاره‌های ذهنی فردی	
انتظار از خود (فرد خود را در چه جایگاهی تعریف می‌کند)		
شناخت و تحلیل روندهای قبلی و آتی		
یادگیرنده و پذیرنده		
نگاه بلندمدت و پایدار		
ریسک‌پذیری بالا		
چندبعدی نگری و پرهیز از نگاه تک‌وجهی		

مفهوم	مفهوم‌های فرعی	مفهوم‌های اصلی
توجه به آثار و پیامدها		
کنش‌گری و کاوش‌گری راهبردی و کلان		
خلق قابلیت‌های سازمانی		
خلق، کشف و ایجاد فرصت‌ها	پیش‌فرض‌های عینی / مشهود	
خلق، شناسایی و توسعه منابع		
دارا بودن الگوها و انگاره‌های راهبردی		
دارا بودن ویژگی‌های ذاتی راهبردی		
دارا بودن شهود و الهام		بینش
داشتن بصیرت و قدرت درک	پیش‌فرض‌های ذهنی / نامشهود	
جهان‌بینی فردی و ارزش‌های حاکم بر آن		
خدابوری و باورمندی به مبدأ و معاد		
ارتباط عمیق معنوی با طبیعت و خلقت		

پس از شناسایی مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی، شبکه مضامین بین آنها جهت نظاممند نمودن روابط و وایستگی و ارتباط متقابل میان آنها مشخص شد. شبکه مضامین مربوط به مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۱. شبکه مضامین شایستگی‌های تفکر راهبردی

یافته‌های مرحله کمی پژوهش با استفاده از تکنیک دلفی و بعد از دو بار توزیع پرسشنامه بین خبرگان، بیانگر میزان بالایی از توافق بین خبرگان پیرامون مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی بود. برای تعیین میزان اتفاق نظر در تکنیک دلفی، پژوهش‌گران در

دور اول اقدام به توزیع پرسشنامه‌ای پیرامون عوامل احصاء شده در مرحله کمی کردند که در این دور هیچ کدام از عوامل احصاء شده در مرحله کیفی حذف نگردید و سه شاخص تفکر تحلیلی، کلان نگری و پیامدنسنجی توسط خبرگان اضافه شد. در دور دوم از اجرای تکنیک دلفی، پژوهش‌گران اقدام به توزیع مجدد پرسشنامه پس از افزودن برخی از عوامل کردند تا میزان اتفاق نظر خبرگان را به دست آورند. بعد از جمع‌آوری نظرات با استفاده از روش‌های آماری مانند ضریب هماهنگی کندال، انحراف چارکی، انحراف معیار و میانه اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از نظرات خبرگان کردند. عموماً در تحلیل دلفی از ضریب هماهنگی کندال برای بررسی میزان توافق پیرامون پرسشنامه استفاده می‌شود. این ضریب به عنوان مقیاسی برای تعیین درجه هماهنگی و میزان موافقت بین دیدگاه‌های خبرگان است. مقدار این مقیاس بین صفر و یک است، به این معنی که در زمان عدم اتفاق نظر کامل، مقدار ضریب کندال صفر و در صورت اتفاق نظر کامل میان خبرگان، این میزان برابر با یک است، لذا هرچقدر مقدار این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر اتفاق نظر بیشتر است(حبیبی، سرافرازی و ایزدیار، ۹۳). براین اساس، مقدار ضریب کندال در تکنیک دلفی نباید کمتر از ۰/۵ گزارش شود، لذا مقدار پایین‌تر از ۰/۵ بیانگر اتفاق نظر اندک در بین خبرگان پیرامون پدیده مورد بررسی است. علاوه بر بررسی توافق خبرگان پیرامون کل پرسشنامه، می‌توان هر یک از عوامل مطرح شده در پرسشنامه را نیز با استفاده از شاخص‌هایی مانند میانگین، میانه، انحراف معیار و انحراف چارکی مورد بررسی قرار داد. در تکنیک دلفی مقدار میانه باید بزرگ‌تر یا مساوی چهار، مقدار انحراف معیار باید کوچک‌تر از یک و دامنه چارکی باید کوچک‌تر یا مساوی یک باشد. نتایج مربوط به آزمون ضریب هماهنگی کندال و همچنین مقادیر مربوط به شاخص‌های گرایش به مرکز و دور از مرکز پیرامون هریک از ابعاد و مولفه‌های مدل در جدول‌های (۵) و (۶) نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون ضریب هماهنگی کندال

تعداد	مقدار کندال	خی دو	درجه آزادی	معناداری
۱۲	۰/۶۲۸	۵۷/۰۰۰	۹	۰/۰۰۰

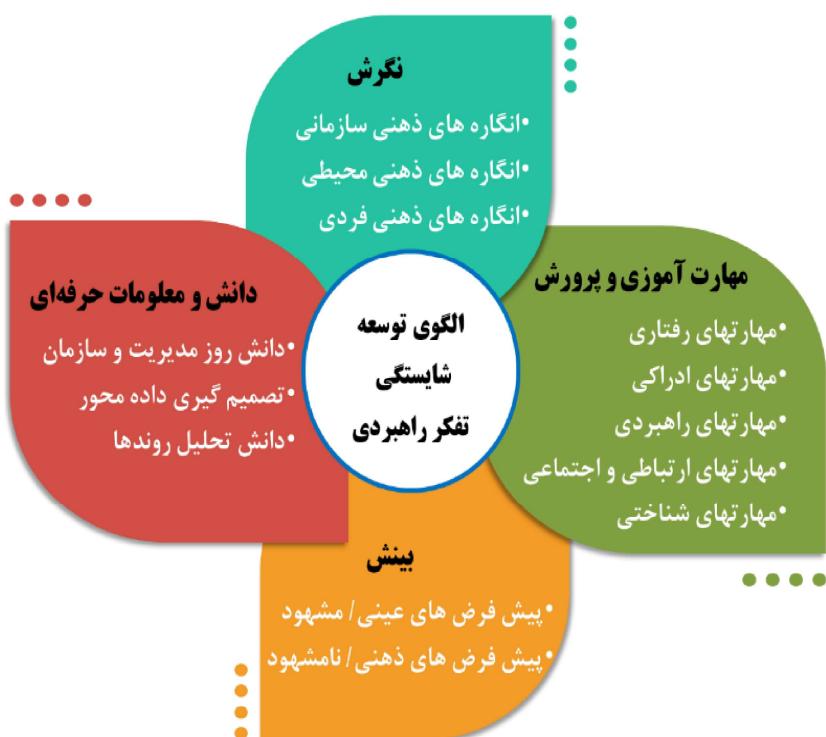
همان‌طور که جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار آزمون ضریب هماهنگی کندال برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۶۲۷ است که بیانگر اتفاق نظر خبرگان پیرامون مدل است. بر اساس جدول (۶)، مقادیر میانگین برای تمامی عوامل بالای چهار است که بیانگر اتفاق نظر مناسب است. همچنین مقادیر میانه، انحراف معیار و انحراف چارکی برای هر یک از عوامل به ترتیب بزرگ‌تر مساوی چهار، کوچک‌تر از یک و کوچک‌تر مساوی یک است، بنابراین اتفاق نظر بالایی بر روی هر یک از عوامل موثر بر مقولات اصلی و فرعی مدل در بین خبرگان وجود

دارد.

جدول ۶. مقادیر میانگین، میانه، انحراف معیار و انحراف چارکی هریک از عوامل پرسشنامه

نگرش			بینش			مهارت آموزی و پرورش			دانش و معلومات حرفه‌ای				
نگرهای ذهنی	نگرهای مهیطی	نگرهای سازمانی	فرم	پیش	نگرهای رفتاری	مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی	نمایمکنی ایده‌ای	مهارت‌های تجزیه‌گردی	نمایمکنی شناختی	دانش روز مدنیت و زندگانی	تصمیم‌گیری	دانش رویکردی	دانش پیش‌بینی
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	تعداد
۴/۳	۴/۴	۴/۱	۴/۳	۴/۳	۴/۴	۴/۴	۴/۳	۴/۲	۴/۱	۴/۲	۴/۴	۴/۲	میانگین
۴	۴	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴/۴	میانه
۰/۵۵	۰/۶۲	۰/۶۸	۰/۷۳	۰/۸۴	۰/۶۷	۰/۶۲	۰/۵۵	۰/۹۲	۰/۷۰	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۵۹	انحراف معیار
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	انحراف چارکی

پس از انجام تحلیل‌های کیفی و کمی که قبل تر به یافته‌های آنها اشاره شد، در نهایت مدل توسعه شایستگی تفکر راهبردی مدیران مطابق شکل ۲ ارائه گردید.



شکل ۲. الگوی توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی

بحث و نتیجه‌گیری

مدیران در سازمان‌های دولتی، غیردولتی، بازرگانی، نظامی و... مسئول هدایت و راهبری سازمان در محیط پرآشوب و متغیر کنونی هستند. بر این اساس، باید از قابلیت و شایستگی‌های لازم برای این مهم برخودار گرددند. با توجه به ماهیت دانشی صنایع دفاعی کشور و متفاوت بودن بستر نظامی در مقایسه با بستر سایر سازمان‌ها و شرکت‌ها، در این پژوهش تلاش شد تا مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی طراحی گردد. از این‌رو در مرحله اول پژوهش (کیفی) با استفاده از روش تحلیل مضمون و پس از مصاحبه با خبرگان، شاخص‌های مربوط به شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران احصاء شد و سپس در مرحله دوم پژوهش (كمی) از طریق به کارگیری تکنیک دلفی، آرای خبرگان پیرامون عوامل احصاء شده در پژوهش کیفی، در دو مرحله با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و پس از دستیابی به اتفاق نظر ارائه شد. یافته‌های به دست آمده نشان داد که ابعاد و مولفه‌های مدل توسعه شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی شامل دانش و معلومات حرفه‌ای، مهارت‌آموزی و پرورش، نگرش و بینش هستند.

اولین بعد مدل توسعه شایستگی‌های مدیران صنایع دفاعی، دانش و معلومات حرفه‌ای است. از آنجائی که واژه راهبردی در انتهای تفکر راهبردی به این معنی است که آن تفکر تأثیر اساسی بر پارامترهای کلیدی یک سیستم دارد، بی‌شک داشتن دانش پایه و معلومات حرفه‌ای متناظر با مفاهیم تفکر راهبردی از الزامات اولیه و پیش‌نیاز است. بدون داشتن مفاهیم تفکر راهبردی نمی‌توان انتظار این را داشت که مدیران در دنیای پر تغییر امروزی بتوانند با ارائه ایده‌ها و اتخاذ تصمیمات مناسب، سازمان خود را رو به تعالی ببرند. در این راستا دانش روز سازمان و مدیریت و توانایی شناخت ستاریوهای اثرگذار در تصمیمات بر مبنای داده‌ها برای مدیران سطوح راهبردی نیاز است. ذکر این نکته ضروری است که تفکر راهبردی را نمی‌توان تزریق کرد، بلکه باید آن را تمرین کرد. برای تمرین تفکر راهبردی نمی‌توان صرفاً با مطالعه کردن راه به جایی برد هر چند دانستن مفاهیم آن شرط لازم هستند اما شرط کافی نیستند.

دومین بعد مدل مهارت‌آموزی و پرورش است. مدیران به منظور توسعه تفکر راهبردی خود نیاز به کسب مهارت و پرورش در حوزه‌های مختلف دارند که در این پژوهش ۵ دسته مهارت برای توسعه تفکر راهبردی مدیران شامل مهارت‌های رفتاری، ارتباطی و اجتماعی، ادراکی، راهبردی و شناختی احصا و پیشنهاد شد. ذیل مهارت‌های شناختی، مدیران باید بتوانند مسائل فرعی را از مسائل اصلی تشخیص دهند و روابط علت و معلوی بین پدیده‌ها را به خوبی درک کنند. همچنین باید نسبت به محیط پیرامون هوشیار باشند و نسبت به

نشانک‌های ضعیف^۱ حساس باشند. از آنجایی که مسائل سازمانی و مدیریتی دارای پیچیدگی‌های خاص هستند، مدیران دارای تفکر راهبردی باید ژرف‌نگر باشند و نسبت به جنبه‌های پنهان مسائل، همچنین نسبت به شناخت و تشخیص آثار و پیامدهای رفتار و تصمیمات نیز دارای مهارت کافی باشند.

در حیطه مهارت‌های راهبردی، پژوهشگر دریافت که مهارت ترسیم چشم‌انداز مشترک و ایجاد توافق جمعی حول جریان‌های آینده‌ساز سازمانی برای مدیران در جهت توسعه تفکر راهبردی نیاز است. مورد دیگر از این دسته، مهارت ترسیم اهداف کلان بلندمدت و مشترک بین اجزای مختلف سازمان است به گونه‌ای که مدیر راهبردی باید توانمندی و مهارت حفظ یکپارچگی و تحلیل مسائل را نیز دارا باشد. بهزعم پژوهشگر مهارت مهم دیگری که مورد نیاز مدیران راهبردی است این است که بتوانند در زیست‌بوم سازمان مداخله‌گری نمایند. بدین معنی که برای رشد و نمو تفکر راهبردی، مدیران باید این مهارت را کسب کنند که بتوانند در زیست‌بوم سازمان به نفع ایجاد شرایط مساعد جهت رشد تفکر راهبردی و همچنین جهت ایجاد شرایط جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی، مداخله نمایند. نکته مهم در این مداخله این است که باید در سطح کلان سازمان انجام شود و نه در سطح عملیات. این مهارت به مدیران کمک می‌کند که سطح عملیات و کسبوکار سازمان را به خوبی فهم کند و برای اعمال تغییرات در زیست‌بوم، مداخلات هوشمندانه‌ای را در سطح کلان و راهبردی سازمان ایجاد نمایند. اگر مدیری به صرف اینکه راهبردی نگاه می‌کند و تصمیمات کلان اتخاذ می‌نماید صحنه عمل و عملیات کسبوکار سازمان را نشناسد و مورد توجه قرار ندهد و یا با آن ارتباط برقرار نکند هر آنچه تصمیمات کلان اتخاذ نماید راه به جایی نخواهد برد و بعضًا می‌تواند نتایج نامطلوب و حتی برعکس نیز به بار آورد.

در حیطه مهارت‌های ارتباطی پژوهش‌گران دریافتند که به منظور توسعه و تقویت قابلیت‌های راهبردی در مدیران، برقراری و ایجاد کانال‌های ارتباطی رسمی و غیررسمی، همراه توسعه تعاملات درون و برون سازمانی از ضروریات ارتباطی است. به علاوه مهارت کسب مقبولیت در جهت الگو شدن و انگیزه بخشی به کارکنان در راستای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه آنان نیز از اصول مهم در این مهارت است و به کارگیری آن باعث توسعه تفکر راهبردی خواهد شد. داشتن شبکه قوی و حرفه‌ای همچنین مهارت و توانمندی ایجاد شبکه در پرتو همراه سازی ذی‌نفعان کلیدی محور مهم و اثرگذار در مهارت‌های ارتباطی

^۱. Weak Signals

موردنیاز مدیران سطح راهبردی است.

دسته بعدی مهارت‌های اثرگذار در بسط و توسعه تفکر راهبردی مدیران، مهارت‌هایی است که عنوان رفتارهای غالب مدیر شناخته می‌شوند و مدیران این سطح، به این مهارت‌ها تسلط دارند. قانون نبودن به راه حل‌های دم‌دستی و موجود و داشتن رفتار پارادایم شکنانه در کنار رفتار نقاد و پرسش گرانه در رفتار مدیران دارای تفکر راهبردی به‌وضوح قابل مشاهده است. همچنین برای توسعه تفکر راهبردی باید مدیران این مهارت را کسب کنند که بتوانند از تجارب زیسته خود و دیگران یادگیری داشته باشند و قادر شوند درس آموخته‌های حاصل از تجارب را یاد بگیرند و به کار بینندند. از طرف دیگر مهارت یادگیری از وقایع و موارد حادث‌شده قبل و توان بازخوانی این پدیده‌ها و مهارت یادگیری درصونه عمل در حین کار نیز مهارت دیگری است که مدیران باید دارا باشند تا بتوان امیدوار بود با این دسته از مهارت‌های رفتاری در کنار سایر عوامل و آرام آرام توسعه تفکر راهبردی را برای ایشان رقم بزنند.

بر اساس دریافت پژوهشگر دسته دیگری از مهارت‌های مورد نیاز برای توسعه تفکر راهبردی در مدیران مهارت‌های ادراکی است به این معنی که ادراک و دریافت مدیر از شرایط و پیرامون و فرآیندهای کارکنان در سازمان به چه منوالی است. از مهم‌ترین موارد توجه به نظامات بازخورد است. در سازمانی که نظامات بازخورد در جهت تقویت توسعه تفکر راهبردی کار کنند، می‌توان امیدوار بود که مدیران نیز بتوانند در این بستر رشد کرده و به ویژگی‌های راهبردی خویش بیفزایند در غیر این صورت آن دسته از نظامات بازخورد که روزمرگی و تولید پاسخ‌ها و راه حل‌های دم‌دستی را به دنبال خود داشته باشند، از اثربخشی مدیریتی که همانا در توسعه تفکرات سطح بالا به دست می‌آید ممانعت خواهد کرد. درک نیاز به تحلیل‌های فرابخشی و پرهیز از نگاه‌های بهینه‌ساز بخشی نیز از شروط لازم برای توسعه تفکر راهبردی است. درک این موضوع که مدیر سطح راهبردی باید نگاه و خواسته‌اش تحول خواهی و بهبود در جهت تعالی و تحول در سطوح مختلف سازمان باشد، از جنس مهارت‌های ادراکی و موردنیاز جهت ارتقاء تفکر راهبردی است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش آنچه که باید به منظور توسعه تفکر راهبردی مدیران مورد توجه قرار گیرد، نگرش‌های ذهنی است. نگرش ذهنی به معنای انگاره‌های ذهنی که بر اساس آن روش‌ها و رفتارهای مدیریتی شکل می‌گیرد. این نگرش‌ها در سه بخش سازمانی، فردی و محیطی دسته‌بندی شده‌اند. از منظر بینش فردی، از آنجایی که تفکر راهبردی مبتنی بر نگاه‌ها رو به آینده است و به عبارت دیگر ترسیم آینده سازمان در گرو داشتن تفکر راهبردی مدیران سطح کلان سازمان‌هاست، انگاره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی رو به آینده جزو

نگرش‌هایی است که در صورت وجود و تقویت در مدیران می‌توان انتظار داشت اقدامات و خروجی‌های راهبردی فراهم شوند. نکته مهم دیگر این است که یک مدیر سطح کلان، خودش را در چه جایگاهی تعریف می‌کند و از خود چه انتظاری دارد. مدیر می‌تواند خود را در جایگاه مسئول اداره کسب‌وکارش تعریف کند و یا می‌تواند خودش را اثربازار در زنجیره ارزش آفرین کسب‌وکار تعریف کند. مورد بعدی پرهیز از یک بعدی نگری و حرکت به سمت نگاه چندبعدی به پدیده‌های سازمان و مدیریت در سطح کلان است به این معنی که مدیر راهبردی باید از نگاه خطی و ساده به پدیده‌ها خودداری کند و برای مسائل پیچیده به راه حل‌های ساده‌انگارانه و خطی اکتفا ننماید. توجه به آثار، تبعات و پیامدهای مسائل و تصمیمات، انگاره ذهنی غالب در مدیران دارای تفکر راهبردی است که غفلت از آن می‌تواند علاوه بر اینکه مسائل حل نشده را باقی بگذارد، به ایجاد مشکلات، چالش‌ها و مسائل جدید نیز دامن بزند. از مدیری می‌توان انتظار اداره سازمان بر مبنای الزامات و پیش‌فرض‌ها تفکر راهبردی داشت که پذیرندگی و یادگیرندگی بالایی داشته باشد تا بتواند خصم دیدن و چو مختلف مسائل، نسبت به ایده و نگاه جدید پذیرش داشته باشد و در عین حال بتواند از محیط درون و بیرون سازمان بیاموزد و یادگیری باعث می‌شود مدیر بتواند در موقعیت‌های مختلف و متضاد با پشتوانه قوی نسبت به حل و فصل مسائل و اتخاذ تصمیمات اثربخش اقدام نماید. از دیگر سو مدیر راهبردی به جای واکنشی عمل کردن، باستی انگاره ذهنی اقدام پیش‌دستانه^۱ و فعل را دنبال کند و سرلوוהه اقدامات خود قرار دهد، لذا نیاز به کنش‌گری فعل در مدیران سطح راهبردی بهشت احساس می‌شود.

از منظر الگوهای ذهنی محیطی، مدیر دارای شایستگی تفکر راهبردی مسائل را به صورت فراسازمانی و فرابخشی می‌نگرد. از بخشی نگری و بهینه‌سازی بخشی پرهیز دارد. روندهای محیطی اثربازار را به خوبی می‌شناسد و برای مواجهه با آن‌ها برنامه مشخص و مناسب دارد. از منظر انگاره‌های ذهنی و نگرش‌های سازمانی مدیر راهبردی شرایط حاکم بر فرهنگ و جو سازمان را می‌شناسد و با آن ارتباط تنگاتنگ دارد. نسبت به زمین‌بازی و زیست‌بوم سازمان شناخت و تسلط دارد و قواعد زمین‌بازی را به خوبی می‌شناسد. برای تعمیق نگاه راهبردی و کلان خود در مواجهه با مسائل سازمانی و مدیریتی صحنه عملیات کسب‌وکار سازمان را به خوبی درک می‌کند و سعی می‌کند با مداخلات هوشمندانه در زیست‌بوم، بتواند شرایط و محیط را برای رشد و نمو انگاره‌ها و مطالبات راهبردی فراهم کند.

¹. Pro-active

چهارمین بعد مدل، بینش است. بینش به معنای پیش‌فرض‌های موجود در مواجهه با مسائل. بینش سطح بالاتری نسبت به نگرش است. نگرش‌ها معطوف به روش و رفتارند و بینش‌ها معطوف به بصیرت و پیش‌فرض‌های ذهنی مرتبط با موارد غیر مشهود و ذهنی هستند. بینش‌ها از منظر یافته‌های این پژوهش به پیش‌فرض‌های ذهنی / نامشهود و پیش‌فرض‌های عینی / مشهود دسته‌بندی شده‌اند. از منظر پیش‌فرض‌های عینی / مشهود داشتن انگاره‌های ذهنی قالب راهبردی و طرح‌واره‌های سطح کلان مدنظر و ضروری هستند. مدیر راهبردی مدیری است که در ابتدا برای اجرای مأموریت، مطالبه نیازمندی‌ها را مدنظر قرار نمی‌دهد بلکه به دنبال خلق فرصت‌ها و خلق منابع است. به این معنی که بیشتر از اینکه به دنبال دریافت منابع و ملزومات باشد به دنبال فرصت‌هایی است که بتواند از دل این فرصت‌ها خلق منبع کند و در یک سطح بالاتر نیز همین فرصت‌ها را ایجاد نماید. در اینجا منظور از منبع صرفاً منابع مادی و انسانی نیست بلکه منظور از منبع قابلیت‌های سازمانی نیز است که در کنار منابع رایج و مشهور خودنمایی می‌کنند (مثل قابلیت‌های حکمرانی، قابلیت‌های متمایزکننده، قابلیت‌های سازمانی و غیره).

از منظر پیش‌فرض‌های ذهنی / نامشهود که برای تفکر راهبردی به مثابه ریشه و پایه انگاشته می‌شوند، دارا بودن ویژگی‌های ذاتی راهبردی اولویت اول هستند. به این معنی که اگر بتوان مدیری را که ذاتاً دارای ویژگی‌های راهبردی هست را به کارگماری کنیم بهترین و ایده‌آل‌ترین حالت ممکن خواهد بود ولی در غیر این صورت نیز نباید نامید بود و با داشتن و ایجاد کردن پیش‌فرض‌هایی می‌توان امیدوار ماند که مدیر در مسیر توسعه تفکر راهبردی حرکت می‌کند.

از آنجایی که خداوند خلقت و طبیعت را بر مبنای منطق و اصول خاصی معماري و خلق کرده است، خداباوری و باورمندی به مبدأ و پایان کار در کنار ارتباط عمیق و سازگار با طبیعت و خلقت می‌تواند قدرت و توان اندیشه‌های راهبردی را به عنوان موهبتی خدادادی به افراد هدیه کند. جهان‌بینی فردی و نوع نگاه به پدیده‌ها در کنار ارزش‌های حاکم بر جهان‌بینی فردی مدیر، دریچه‌های عظیم و بی‌کران قدرت و توان اقدامات اثربخش راهبردی را به روی او می‌گشاید. چنین پیش‌فرض‌های ذهنی هستند که منجر به قدرت شهود و فراست در فرد می‌شوند و می‌توانند ایجاد کننده و مقوم الهام و درک شهودی پدیده‌ها باشند.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش پاشایی هولاسو (۱۴۰۱) همسو است. وی در پژوهش خود عوامل اجتماعی، دانشی و توانایی را در زمرة شایستگی‌های فردی، به منظور طراحی الگوی شایستگی مدیران موسسه آموزش و تحقیقات صنایع دسته‌بندی کرده است.

نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش رجب بلوکات و همکاران (۱۳۹۹) از منظر ابعاد شایستگی با ابعاد دانشی، مهارتی و نگرشی همسو بوده است و با روش مطالعه هلاتایی و همکاران (۱۴۰۰) مشابه و نتایج آن در حوزه تدوین الگوی توسعه شایستگی‌های رهبری مدیران نیز همسو بوده است.

همچنین نتایج این پژوهش با نتایج انوار (۲۰۱۶) که در پژوهش خود شایستگی‌های مانند ارتباطات، توانایی‌های دیپلماتیک و مهارت‌های مدیریتی را در طراحی شایستگی‌های ضروری وابستگان دفاعی اندونزی شناسایی نمود که با نتایج حاصل از این پژوهش همسو است.

بر اساس نتایج به دست آمده، در راستای ارتقا سطح شایستگی‌های تفکر راهبردی مدیران صنایع دفاعی پیشنهاد می‌شود:

- در جهت تقویت دانش تفکر راهبردی، نسبت به گنجاندن شاخص‌های احصا شده در این تحقیق در برنامه‌های آموزش و توسعه مدیران اقدام شود. کارگاه‌های دانش‌افزایی در راستای ارتقاء سطح آگاهی و مهارت‌های مدیران پیرامون شاخص‌های احصا شده برگزار شود، نسبت به راهاندازی و توسعه سامانه‌های مورد نیاز برای ثبت و مستندسازی و اشتراک دانش توسط خبرگان در سامانه مذکور اقدام گردد. از طریق آگاه‌سازی مدیران نسبت به اهمیت شایستگی‌های تفکر راهبردی، نسبت به جلب حمایت آنان و اختصاص منابع لازم برای توسعه شایستگی‌های یاد شده اقدام شود. همچنین بسته‌های دانشی با محورهای دانش روز مدیریت، تصمیم‌گیری داده محور (شامل شناخت روش‌های حل مسئله، دانش تصمیم‌گیری، تسلط بر تحلیل داده‌ها و دانش تکنیک‌های خلاقیت و نوآوری) و دانش تحلیل روندها (شامل تفکر تحلیلی و غیرخطی، دانش تفکر استراتژیک و تحلیل روندهای رو به آینده) برای مدیران طراحی و اجرا شود.

- در جهت استفاده از مهارت‌های موردنیاز برای تقویت تفکر راهبردی پیشنهاد می‌شود نسبت به تفکیک این مهارت‌ها در دامنه‌های ذکر شده اقدام شود و زمینه ایجاد این مهارت‌ها در سازمان فراهم شود. شبکه سازی و استفاده از ظرفیت‌های شبکه و توسعه تعاملات و همراه‌سازی ذینفعان کلیدی برای تقویت مهارت ارتباطی مدیران پیشنهاد می‌شود. از آنجایی که ترسیم چشم‌انداز مشترک برای سازمان و ایجاد توافقات جمعی حول موضوعات محوری سازمان باعث ایجاد و تقویت مهارت راهبردی مدیران می‌شود لذا پیشنهاد می‌شود زمینه اجرای این اقدامات فراهم شود تا مدیران در سطوح مختلف بتوانند به این مهارت دست پیدا کنند. از طرفی پیشنهاد پژوهشگر این است که یادگیری در عمل و بازخوانی واقعی که می‌تواند مهارت‌های رفتاری مدیران را تقویت کند در دستور کار

برنامه‌های توانمندسازی مدیران قرار گیرد.

- در جهت تقویت بینش‌ها و نگرش‌های مدیریتی که به توسعه تقویت تفکر راهبردی مدیران منجر می‌شود پژوهشگر پیشنهاد می‌کند مدیران نسبت به فهم واقعی زمین بازی و زیست بوم سازمانی در دو سطح کلان و عملیات اقدام نمایند و ضمن فهم عمیق نسبت به کسب و کار سازمان و از مداخله در این سطح خودداری کنند و در عوض در سطح کلان سازمان و در جهت تقویت سطح عملیات مداخله نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود مدیران نسبت به تعریف و شفاف کردن انتظار از خود در سازمان اقدام نمایند و جایگاه خود را در این خصوص مشخص نمایند که آیا خود را به عنوان اداره کننده آن سازمان می‌انگارند و یا نقش خود را بالاتر از آن تعریف می‌کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود مدیران کلان ارتباط معنوی و عمیقی بین خود با طبیعت و خلقت ترسیم کنند و ضمن تقویت جهان بینی خود از قابلیتها و توانمندی‌های خلقت و طبیعت در جهت اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی به صورت شهودی بهره گیرند.

از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی، پدیده‌ها در بستر وقوع شان مورد مطالعه قرار می‌گیرند، نتایج به دست آمده نیز منحصر به بستر مورد مطالعه بوده و امکان تعمیم‌پذیری نتایج و یافته‌ها به دیگر شرایط و موقعیت‌ها محدود است؛ از آنجایی که نتایج پژوهش حاضر با اتکا به دیدگاه‌ها و تجربیات خبرگان صنایع دفاعی کشور حاصل شده است، بنابراین به راحتی نمی‌توان نتایج پژوهش حاضر را به سایر سازمان‌ها تعمیم داد. محققان آینده می‌توانند نسبت به طراحی مدل بومی شایستگی‌های تفکر راهبردی برای سازمان‌های مشابه اقدام نموده و نتایج حاصل را با یافته‌های این تحقیق مقایسه نمایند.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از زحمات مدیران و مسئولان جامعه آماری پژوهش حاضر نهایت تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

تعارض منافع

نویسنده‌گان) اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسنده‌گان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

این نشریه دارای دسترسی باز است و اجازه اشتراک (تکثیر و بازارایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

منابع

- حبيبي، آرش و جلال نيا، راحله. (۱۴۰۱). پدیدارشناسي. تهران: نارون.
- حبيبي، آرش، ايزديار، صديقه، سرافرازي، اعظم. (۱۳۹۳). تصميم‌گيري چندمعياره فازي. رشت، انتشارات کتبه گيل.
- رجب بلوکات، مهدى؛ شريفى، سيد مهدى و افکانه، محمد. (۱۳۹۹). شناسابي شايستگى‌های مدیران صنایع خلاق (مورد مطالعه: خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی ایران). مطالعات مدیریت دولتی ايران، ۳(۲)، ۱۰۹-۱۳۰.
- شوقى، محمد؛ بازركانى، محمد؛ نادرى خورشيدى، عليرضا و ديواندى، على. (۱۳۹۶). الگوی توسعه تفکر راهبردى مدیران ارشد بانک انصار. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۹(۱)، ۱۵۶-۱۲۵.
- غفاريان، وفا و كيانى، غلامرضا. (۱۳۸۹). پنج فرمان برای تفکر/استراتژيك. تهران: نشر فرا.
- قرباني، على؛ رمضانى، طيبة؛ حسينى، ميرزا حسن. (۱۳۹۹). طراحى مدل شايستگى‌های مدیران مبتنى بر آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۸(۳۱)، ۱۰۹-۱۲۸.
- كرمي، مرتضى و صالحى، مسلم. (۱۳۸۸). توسعه مدیریت مبتنی بر شايستگى. تهران: انتشارات آبيژ.
- هلاتايى، سيدمحمد؛ سنجرى، احمدرضا و حسن مرادي، نرگس. (۱۴۰۰). تدوين الگوی توسعه شايستگى‌های رهبرى مدیران صنایع دفاعى. راهبرد دفاعى، ۹(۳)، ۹۱-۱۲۰.
- Afsharfard, F. and Abbaspour, A. (2017). The impact of human resource competencies on performance of knowledge-based companies. *Management Tomorrow*, 54(17), 19–34.
- Anwar, S. (2016). Modelling the competencies required by defence attaches in accomplishing their duties: study on the indonesian defence attaches. *Journal of Defense Management*, 6(3), 152-162.
- Bharwani, S. and Talib, P. (2017). Competencies of hotel general managers: a conceptual framework. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 29(1), 393-418.
- Bonvillian, W. B., Van Atta, R. and Windham, P. (2019). *The DARPA model for transformative technologies: perspectives on the US defense advanced research projects agency*. (p. 510). Open Book Publishers.
- Cimini, C., Adrodegari, F., Paschou, T., Rondini, A. and Pezzotta, G. (2021). Digital servitization and competence development: A case-study research. *Cirp Journal of Manufacturing Science and Technology*, 32, 447-460.
- Cloud, R. C. (2010). Epilogue: Change leadership and leadership development. *New Directions for Community Colleges*, 2010(149), 73-79.
- Dziekonski, K. (2017). Project manager's competencies model for construction industry in Poland. *Procedia Engineering*, 182, 174-181.
- Hill, L. A. (2014). *New Manager Development for the 21st Century*. The Academy of Management Executive, 18(3), 121–126.

- Idrisa, N., Honga, T. S., Abu Mansora, N.N. (2018). A qualitative inquiry of women managers' competence acquisition, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 40, 395 – 403.
- Islamian, M., Qolipour, R.E. and Hamtian, H. (2018). Designing and explaining the competency model of senior managers of state banks with emphasis on the general policies of resistance economy. *Research Journal of Executive Management*, 10(19), 61-87.
- Kraus, S., Jones, P., Kailer, N., Weinmann, A., Chaparro-Banegas, N. and Roig-Tierno, N. (2021). Digital transformation: An overview of the current state of the art of research. *Sage Open*, 11(3), 21582440211047576.
- Lashgar Bloki, M. (2012). *Commands and techniques of strategic thinking*. second edition. Tehran: Naas Nashr.
- Mergel, I., Edelmann, N. and Haug, N. (2019). Defining digital transformation: Results from expert interviews. *Government Information Quarterly*, 36(4), 101385.
- Mistarihi, A. (2021). Strategic leadership competencies: Evidence from the state of Qatar. *Journal of Human Resource and Sustainability Studies*, 9(01), 57.
- Ngereja, B. J. and Hussein, B. (2022). Employee learning in the digitalization context: An evaluation from team members' and project managers' perspectives. *Procedia Computer Science*, 196, 902-909.
- Norveel, J., Gonzalez, R. and Presthus, W. (2022). Basic digital competence in Norwegian banking. *Procedia Computer Science*, 196, 183-190.
- Pagon, M., Banutai, E. and Bizjak, U. (2008). *Leadership competencies for successful change management: Study Report*. Univerza v Mariboru.
- Philip, J. (2021). Viewing digital transformation through the lens of transformational leadership. *Journal of Organizational Computing and Electronic Commerce*, 31(2), 114-129.
- Ribeiro, A., Amaral, A. and Barros, T. (2021). Project Manager Competencies in the context of the Industry 4.0. *Procedia computer science*, 181, 803-810.
- Russell, E. J. (2013). Servant leadership through distance learning: A case study. *Turkish Online Journal of Distance Education*, 14(4), 26-45.
- Schulze, H. and Bals, L. (2020). Implementing sustainable purchasing and supply management (SPSM): A Delphi study on competences needed by purchasing and supply management (PSM) professionals. *Journal of Purchasing and Supply Management*, 26(4), doi.org/10.1016/j.pursup.2020.100625 .
- Seyed Javadin, S. R., Saadat Nihad, M. H., Amiri, M., and Lesani Pasharaki, M.A. (1400). Identifying the competencies of correct managers; Thematic research in the Holy Quran. *Human Resource Management Research*, 13(4), 85-114.
- Taqwa, M.R., Dehghani, R., and Tabatabaian, S.H. (1400). The model of strategies for developing senior managers of knowledge-based companies. *Strategic Management Studies Quarterly*, 12(48), 25-48.

- Türkeş, M. C., Căpuşneanu, S., Topor, D. I., Staras, A. I., Hint, M. Ş. and Stoénica, L. F. (2020). Motivations for the use of IoT solutions by company managers in the digital age: A Romanian case. *Applied Sciences*, 10(19), 6905.
- Viitala, R.(2005). Perceived development needs of managers compared to an integrated management competency model, *Journal of Workplace Learning*, 17(7),436-451
- Woodruffe, C. (2014). What Is Meant by a Competency? *Leadership & Organization Development Journal*, 14(1), 29.